موضوع: امکان معرفت در معرفت شناسی

نقد و بررسی دلایل شکاکان در معرفت

حاصل پاسخ در مورد دلیل دوم شکاکان بر خطای در حس و اندیشه این شد که این دلیل نمی تواند مدعای شکاکان را ثابت کند و مغالطه ای صورت گرفته است و آن اینکه نتیجه ای اشتباه از مقدمات صحیح گرفته شده است. همچنین گفته شد اولا خود همین کلام یک معرفت است؛ ثانیا این دلیل گویای آن است که فرد شکاک، خود و شک خود و علم به شک خود را به عنوان معرفت هایی قطعی پذیرفته است؛ ثالثا کشف خطا مبتنی بر این پیش فرض است که صواب وجود دارد و راهی برای پی بردن به آنها و کشف خطا وجود دارد .

دلیل سوم شکاکان: اختلافات میان دانشمندان در نظرات مختلف

گفته اند این اختلافات بیان گر آن است که انسان نمی تواند به داده های معرفتی خود اعتماد کند.

در نقد این استدلال باید دانست وجود اختلافات فی الجمله مورد پذیرش است نه بالجمله، و در حقیقت در اینجا مغالطه فی الجمله و بالجمله صورت گرفته است. درست است که در میان دانشمندان اختلافات فراوانی وجود دارد اما مشترکاتی نیز هست مانند اینکه همه آنان اصل وجود جهان را قبول دارند؛ معتقدند این جهان قابل شناخت است؛ ابزار و راه شناخت جهان وجود دارد؛ پژوهش امری مطلوب است؛ آنان اصل علیت و معلولیت و اصل امتناع تناقض را پذیرفته اند، و نیز پذیرفته اند که در منطق ضوابطی وجود دارد. بنابراین دیدگاه شکاکیت مطلق باطل است و در حقیقت اینان در اردوگاه رئالیست ها قرار دارند و تفاوت و نزاع در سعه و ضیق واقعیت ها است.

سخن آقای سروش در مورد اختلاف دانشمندان

سروش در جایی گفته است: نه تفسیر المیزان صد در صد قابل پذیرش و درست است و نه تفسیر فخر رازی. (تا اینجا کلام وی پذیرفته است). بعد می گوید: نه مذهب جعفری و نه مذهب حنفی صد درصد حق هستند.

نقد

در اینجا مغالطه صورت گرفته و مقایسه ای نادرست انجام شده است. اگر می گفت نه همه آنچه در کتاب جواهر آمده صحیح است و نه در کتب ابوحنیفه درست بود، اما اینکه دو مذهب را مقایسه کرده نادرست است زیرا در اینجا سخن از شالوده ها است و روشن است که نمی شود شالوده دو امری که با هم متناقض هستند هر دو درست و حق باشند. مثلا مذهب حنفی معتقد به قیاس در فقه هستند در حالی که شیعه آن را صد درصد باطل می داند. بنابراین اصل مذهب حنفی از اساس باطل است هر چند در این مذهب سخنان درستی هم بیان شده است، مانند اینکه اندیشه لیبرایسیم از اساس باطل است اما این به این معنا نیست که در اینجا سخن درستی گفته نشده و یا فرد لیبرال خوبی نداریم.

سخن مکتب تفکیک در مورد اختلاف دانشمندان

مکتب تفکیک یا مکتب خراسان معتقد است عقلانیتی که فلسفه و کلام دارد نباید در فهم قرآن و روایات بکار گرفته شود زیرا سبب اشتباه در فهم می شود. برای فهم قرآن و روایات باید از عقل فطری که دارای خلوص است استفاده کرد. ذهن فیلسوفانه و متکلمانه ما را به بیراهه می برد و معرفت دینی را خدشه دار می کند. دلیلی که آنان در مورد نادرست بودن عقل فلسفی بیان کرده اند این است که گفته اند: وجود اختلافات در میان فلاسفه نشان می دهد که این عقلانیت ناکآرمد است و نمی تواند طریق صحیحی باشد.

نقد

الف) از آنها سوال می کنیم مراد شما از عقل فطری که خالص است چیست؟ اگر مراد شما عقل عرفی و بازاری است که صحیح نیست زیرا اولا: این عقل نیز از جامعه و امور مختلفی رنگ گرفته است. انسان که در خلا زندگی نمی کند و اگر پیرایه داشتن نادرست است در هر دو نادرست است. ثانیا: این عقل به خاطر عدم ورزیدگی نمی تواند نکات دقیق آیات و روایات را بفهمد. مثلا اگر عقل عرفی بخواهد آیه «و ما عندکم ینفد و ما عندالله باق» را بفهمد به خاطر اینکه ورزیده نیست سر از تجسیم و تشبیه در می آید اما عقل فلسفی این ها را رها کرده و به معارف درست دست می یابد . بنابراین تفکر فلسفی نه تنها آفت فهم نیست بلکه راه گشا و کمک کار فهم درست نیز هست. بله متکلم و فیلسوف و هر فرد دیگری وقتی می خواهد قرآن و روایات را بفهمد نباید فهم های خود را به قرآن تحمیل کند، بلکه باید اندوخته های خود را در پردانتز قرار داده و به سراغ این منابع رفته تا ببیند از آنها چه می فهمد.

ب) نکته دیگر اینکه اگر اختلافات مضر است، این اختلافات در میان مفسران و فقها و اصولیون و سایر رشته های دیگر نیز وجود دارد.

٣. اختلافات علمی فلاسفه و دانشمندان

در این که فلاسفه و دانشمندان در طول تاریخ فلسفه و دانش بشری، در مسائل بسیاری با یکدیگر اختلاف داشته و هر یک بر دیدگاه خود اقامه دلیل کرده آن را حق می‌داند، و دیدگاه یا دیدگاه‌های دیگر را خطا یا نادرست میشمارد، تردیدی وجود ندارد. به اعتقاد شکاکان، این اختلافات بیان گر نارسایی ابزارهای شناخت بشر و ناتوانی او از کشف حقیقت و دست یابی به معرفت حقیقی است، بنابراین، مقتضای خردمندی آن است که انسان در مورد مسائل مختلف حکم قطعی صادر نکند و سکوت نماید[[1]](#footnote-1).

نقد

1. در این استدلال چندین معرفت یقینی وجود دارد:

الف. وجود فلاسفه و دانشمندان. ب. اختلاف آنان در شناخت جهان. ج. وجود جهان که موضوع پژوهش فلسفی و علمی بوده است. د. تلاش فکری و پژوهش علمی فلاسفه و دانشمندان. .. دیدگاه‌هایی که فلاسفه و دانشمندان برگزیده و اظهار کرده‌‌اند. بنابراین، شکاکیت مطلق باطل است.

۲. فلاسفه و دانشمندان در همه چیز اختلاف ندارند، بلکه در پس اختلافات، مسایل مورد اتفاق نیز وجود دارد. وجود جهان، شناخت - پذیر بودن جهان، وجود ابزار و طریق برای شناخت جهان، مفید و مطلوب بودن پژوهش علمی و فلسفی. اصل علیت، اصل تناقض، قواعد و ضوابط منطق و نظایر آنها، مسايا و موضوعات مورد توافق فلاسفه و دانشمندان در طول تاریخ بوده است، هر چند در تبیین و تحلیل آنها دیدگاه‌های مختلفی وجود داشته است. وجود موارد اتفاق، منطق شکاکیت را مخدوش می‌سازد.

٣. وجود اختلافات فلسفی و علمی بیانگر آن است که انسان در زمینه شناخت هستی و جهان ممکن گرفتار خطا شود، زیرا برخی دیدگاه‌های مختلف و ناسازگار خطا و نادرست است. اما مدلول آن، خطا بودن همه آنها نیست، این مطلب (خطاپذیری انسان در شناخت هستی و جهان وجود قواعد و ضوابط تشخیص صواب از خطا را ضروری می‌سازد که علم منطق برای همین مقصود تدوین شده است.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. فلسفه عمومی، ص۶۰ -۶۱ [↑](#footnote-ref-1)